

ضرورت اتخاذ تدابیر داخلی به منظور پیشگیری و کیفر جرایم

ایزابل فیشر بویل، مارک موسه

ترجمه دکتر سید علی هنجانی*

۱. گرچه اقدام بین‌المللی برای تعقیب و مجازات جرایم بین‌المللی، هم طبیعی‌تر و هم اقناع‌کننده‌تر است، اما به هر حال در نبود دستگاه و آیینی تمام و کمال، مجازات جرایم بین‌المللی را باید نخست در نظام داخلی جای داد.

۲. چنان‌که شده که امروزه مجازات داخلی اصل و مجازات بین‌المللی استثنا به شمار می‌رود. دولت‌ها به مسئولیت نخستین خود نسبت به پیشگیری و مجازات جرایم بین‌المللی علاقه‌مند هستند و این نکته را اخیراً در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی متذکر شده و مجازات بین‌المللی را به سنگین‌ترین جرایم معطوف نموده‌اند. در سرآغاز آن اساسنامه آمده است که: «مجازات سنگین‌ترین جرایم هم حتی باید با اتخاذ تدابیر داخلی تضمین شود» (...). و وظیفه هر دولتی است که «مسئولان جنایات بین‌المللی را به محاکم خود سپارد» و نهایتاً اینکه «دیوان کیفری بین‌المللی (...) مکمل دادگاههای داخلی باشد».

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۳. این‌ها همه به این معنی نیست که پایه‌های مجازات در حقوق بین‌الملل قرار نگرفته باشد. نظام حقوقی داخلی در حقیقت ابزاری است که تحت امر منطق بین‌المللی مجازات جرم بین‌المللی قرار گرفته و اصول آن را حقوق بین‌الملل تعیین کرده و معمولاً قراردادی یا رضایی است.

۴. دولت‌ها طی معاهداتی راجع به جرایم بین‌المللی تعهد می‌کنند که نظام حقوقی داخلی خود را با اهداف مقرر که همانا پیشگیری و مجازات جرایم مذکور است وفق دهند. به این ترتیب تبعیت از حقوق بین‌الملل طبق اصل وفای به عهد^۱ گریزناپذیر و مطلق خواهد بود. تعهد به اتخاذ تدابیر داخلی از تکلیف دیگری که عبارت است از «اجرای تعهدات بین‌المللی با حسن نیت» نیز ناشی می‌شود. به مجرد آنکه دولتی معاهده‌ای را تصویب کرد متعهد به عمل به مفاد آن است و آثار آن بر او بار می‌شود و از این نظر موظف است مقررات داخلی ضروری وضع کند. این کار از جمله وظایف عمومی و واجد جنبه عرفی است، به طوری که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی گفته بود: «کشوری که تعهدات بین‌المللی صحیحاً منعقد نموده موظف است برای تضمین اجرای آن تغییرات لازم را در قوانین خود وارد کند» (رای مشورتی ۲۱ فوریه ۱۹۲۵ راجع به تبادل جماعات ترک و یونانی، سری (ب)، شماره ۱۰، ص ۲۰). دولت حتی باید ضوابط داخلی ناسازگار با تعهدات بین‌المللی خود را لغو و ضوابط جدیدی جایگزین آنها نماید. قبول ضوابط، اساس کار تعهدپذیری است. اگر تدابیر داخلی را به ویژه در زمینه پیشگیری بدون رجوع به ضابطه هم بپذیریم،

1. *Pacta sunt servanda.*

ولی به هر حال در قالب حقوق کیفری باید برای چنین تدابیری جنبه ضابطه‌مند قائل شد تا اهداف مورد نظر تأمین شود.

۵. تعهد مذکور باعث توسعه ضوابط و معیارهای داخلی در نظام‌های گوناگون ملی خواهد شد، به طوری که تاکنون پیکره حقوقی مستحکمی فراهم آمده که در حال پیشرفت است. صلاحیت نقد و بررسی این مجموعه در توان متخصصین حقوق کیفری است.

۶. اتخاذ تدابیر داخلی برای سازگاری با تعهدات بین‌المللی امری طبیعی است. باید چگونگی آن را نیز در نظر گرفت و راه کارهای ادخال ضوابط بین‌المللی در حقوق داخلی و معاهدات نیازمند به تدابیر داخلی^۲ و مفاد بعضی معاهدات دارای مقررات کیفری، چه ماهوی و چه آیینی را به خاطر داشت. شکی نیست که خود اجرایی نبودن^۳ مقررات مربوط به وضع و اجرای جرایم بین‌المللی، متکی به اصل «قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» است.

۷. حقوقدانان داخلی به ویژه علمای حقوق کیفری بر لزوم وجود نص قانونی تأکید و نسبت به اصل منصوص بودن قوانین جزایی اعتقادی راسخ دارند و آن را بر معیارهای زیر استوار می‌کنند:

- «جرمی وجود ندارد مگر آنکه قانون آن را تصریح کرده باشد»؛
بدین معنا که سرچشمه جرم‌انگاری، قانون مکتوب است و از این لحاظ قوانین عرفی نمی‌توانند ملاک تعیین جرم قرار گیرند.

2. Non self-executing.

3. Self-executing.

4. Nullum crimen sine lege scripta.

- «هیچ جرمی بدون آنکه قانون مستقیماً به آن اشاره کرده باشد وجود ندارد»؛^۵ یعنی عناصر جرم باید به طور قطع و یقین تعریف شده باشد و استدلال براساس قیاس (تمثیل) ممنوع است.
- «هیچ مجازاتی بدون آنکه در قانون نوشته شده باشد وجود ندارد» (*nulla poena sine lege*)؛ یعنی مجازات هر جرم را هم قانون باید کتباً مشخص کرده باشد.

۸. بنابراین می‌توان گفت که بسیاری از ضوابط حقوق بین‌المللی کیفری، چه قراردادی و چه عرفی واجد شرایط لازم نیستند. مجازات جرایم بین‌المللی مقرر در معاهدات، بدون مساعدت ضوابط حقوق داخلی امکان پذیر نیست. حقیقت این است که عموم معاهدات مربوطه، طی تکالیفی دولت‌ها را فقط موظف می‌کنند تا تدابیر لازم داخلی را در جهت پیشگیری و مجازات جرایم بین‌المللی اتخاذ نمایند.

۹. در این تحقیق، نبود مقررات داخلی و تأثیر آن بر مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری فرد تابع نظام داخلی در حقوق بین‌المللی مورد بحث ما نیست. مسئله اتخاذ تدابیر ضروری برای همکاری با دادگاههای بین‌المللی در جای دیگر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱۰. سعی داریم به بررسی محتوای مهمترین اشکال تعهد مزبور یا تعهد به تطبیق نظام داخلی با نظام بین‌المللی، که اساساً رضایی نیز هست، بپردازیم و سرشت آن، و طبیعتاً تشریح چگونگی اجرای آن توسط دولت‌ها را که هریک ضوابط گوناگونی در نظام داخلی خود پذیرفته‌اند مطالعه نماییم.

5. *Nullum crimen sine lege certa*

بخش اول - محتوای عمده ترین منابع تعهد

۱۱. چنانکه گفته شد تعهد دولت بر اتخاذ تدابیر داخلی در اجرای تعهدات بین‌المللی راه کار و ترتیبات مصرحی نمی‌طلبد. در زمینه کیفری، تقریباً در عموم معاهدات راجع به تعریف، پیشگیری و مجازات جرایم بین‌المللی، یک یا چند مقرره جهت اتخاذ تدابیر داخلی پیش‌بینی شده است؛ حتی موضوع اصلی برخی معاهدات تعریف و حدود تدابیر داخلی است، تا پیشگیری و مجازات مؤثری صورت گیرد (مانند معاهده ۸ نوامبر ۱۹۹۰ شورای اروپا راجع به پول‌شویی، کشف و ستاندن و مصادره آنچه از جرم حاصل شده است). غرض معرفی فهرست کاملی از مجموع مقررات مذکور نیست که قابل دسترسی هم نمی‌باشد. اما ضروری است از مجموع مهمترین تعابیر مربوطه در معاهدات راجع به جرایم و چگونگی پیشگیری و مجازات آنها نموداری ارائه شود.

۱۲. تنوع مقررات مربوط به تدابیر داخلی این پرسش را به ذهن می‌آورد که چه واسطه منطقی احتمالاً میان ماهیت جرم و درجه دقت معاهدات راجع به اقدامات داخلی، وجود دارد و یا این سؤال که برای تعیین هویت لایه‌های مختلف معاهدات از نظر زمانی به مانند زمین‌شناسان چه کار می‌توان کرد؟ در سرآغاز معاهده مونترآل راجع به مجازات اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوانوردی کشوری آمده است «(...) با هدف پیشگیری از چنین اعمالی، ضروری است و فوریت دارد که در جهت تنبیه عاملان، تدابیر لازمه در نظر گرفته شود (...)». معاهده به این ترتیب، بنای مجازات و پیشگیری را با توجه به رسالت گویایی و برآیی حقوق جزا به ترتیب، اول پیشگیری و سپس مجازات در نظر گرفته و به لزوم تجانس

میان تکالیف فوق اشاره می‌کند. بسیاری از منابع قراردادی، میان دو موضوع (پیشگیری و مجازات) تفاوت قائل می‌شوند. در برخی معاهدات نیز تدابیر داخلی مربوط به هریک جدا ذکر شده، به طوری که دو سوی حرکت قراردادی در این زمینه متمایز می‌نماید؛ در مرحله اول یک «هسته سخت» مشترک در تمام موارد یا به عبارتی کوچکترین قدر مشترک، که بر تدابیر داخلی حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری چه کلی و چه جزئی متمرکز است (بند ۱) و در مرحله دوم مجموعه‌ای غیرهم‌شکل مرکب از تدابیر پیشگیرانه که طی آنها خصوصیت هر جرم به خوبی بیان شده است (بند ۲). در مرحله آخر و به مناسبت پایان تکالیف و تعهدات، مقرراتی خاص که فراسوی مسئله تفکیک میان پیشگیری و مجازات، دولت‌ها را به تبعیت از «قوانین» خود، زیر نظر ارگان‌هایی که به این منظور ایجاد شده است مجبور می‌کند.

بند ۱- هسته مرکزی تدابیر داخلی یا تعهد به جرم‌انگاری و قواعد مربوط به صلاحیت دادگاه داخلی

۱۳. جرم‌انگاری هسته اصلی تدابیر داخلی و پیش‌بینی آن در هر معاهده‌ای طبیعی است. اما باید دید معنای واقعی جرم‌انگاری چیست. در لغت گاهی معانی مختلفی ذکر کرده‌اند: «بی کیفر نماندن»^۶ «اعلام اینکه عملی جرم قابل مجازات است»^۷ و یا «منع قانونی»^۸. به این ترتیب جرم-

6. Sanctionner.

7. Declarer delit punissable.

8. Interdire.

انگاری حداقل دو پرده دارد: یکی تعریف عناصر تشکیل دهنده جرم و دیگری تعیین مجازات. اگر چه معاهدات همیشه آن دو را مشخص نمی-کنند، ولی دولت‌ها آنها را در نظر می‌گیرند (رک. زیرین، بخش ۲). برخی معاهدات نیز اضافه بر مطلب، جزئیاتی راجع به ضمانت اجرا و مجازات پیش‌بینی می‌کنند؛ از این بابت معاهداتی که «ضمانت‌های کیفری مؤثر» مقرر نموده‌اند (کنوانسیون ملل متحد در مورد جلوگیری و مجازات جنایت نسل کشی مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸) و معاهداتی که «مجازات‌های قاطع یا ناملازم» درج نموده‌اند (کنوانسیون مربوط به مجازات تصرف هواپیما مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰) یا مجازات‌های «بسیار سخت»^۹ (کنوانسیون تکمیلی راجع به لغو بردگی، خرید و فروش برده و نهادها و روش‌های مشابه برده-داری مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۶) مقرر داشته‌اند را می‌توان نام برد. دیگر معاهدات، فرمول‌های غیرواضح‌تری به کار برده‌اند، نظیر «مجازات‌های مناسب با توجه به ماهیت سنگین جرم» (کنوانسیون راجع به مجازات اعمال غیرقانونی علیه امنیت کشتیرانی مورخ ۱۰ مارس ۱۹۸۸). کنوانسیون ملل متحد علیه حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر (وین، ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸) در یکی از مواد، نوع مجازات مربوطه را مشخص کرده است: «... مانند حبس یا سایر مجازات‌های سالب آزادی، جریمه و ضبط اموال». البته تفاوت جزئی فوق در انشاء عبارات، تغییری محتوایی در تعهد ایجاد نمی‌کند (رک. بخش ۲). گاهی نیز ندرتاً بعضی معاهدات، دادگاه‌های داخلی را مخیر یا حتی مکلف می‌کنند که به احکام محکومیت خارجی در مورد تکرار جرم توجه نموده آن را در نظر گیرند.

9. Rigoureuses.

۱۴. از دیگر اجزای مهم عامل مشترک (قدر مشترک)، مقررات مربوط به صلاحیت دادگاههای داخلی است. بسیاری از معاهدات به سازماندهی و ساماندهی صلاحیت دادگاههای دول عضو معاهده در مورد جرایم بین‌المللی پرداخته‌اند. ضوابط مربوط به صلاحیت مختلف است (نک. زیرین، فصل ۷۳ و ۷۴)، ولی دو اختلاف را می‌توان ملاحظه نمود. نخست آنکه صلاحیت دادگاههای داخلی منحصر به تعقیب و محاکمه نیست و معمولاً در معاهدات اختیار دیگری تحت عنوان استرداد برای آنها پیش‌بینی شده است. اصل معروف «یا محاکمه یا استرداد» در اسناد بین‌المللی بسیار دیده شده است. دومین نکته این است که اصل اخیر را از اصل مشابه دیگری به نام «صلاحیت جهانی» باید جدا کرد. اصل «یا محاکمه یا استرداد» را می‌توان با ضوابط صلاحیتی دیگری مانند صلاحیت شخصی یا صلاحیت سرزمینی قابل جمع دانست و در نتیجه دولت مربوطه عضو کنوانسیون، به استرداد یا محاکمه مرتکبین اعمالی موظف گردد که در سرزمین او اتفاق افتاده یا توسط یا علیه اتباع او رخ داده‌اند. در این حالات صلاحیت جهانی معنا نخواهد داشت؛ اما در مورد وخیم‌ترین جرایم ممکن است وضعیت تفاوت کند. اصل «یا استرداد یا محاکمه» شامل حال مرتکبین جرایمی خواهد شد که در سرزمین یکی از اعضا یافت شوند، حال جرم خود را هر جایی می‌خواهند انجام داده باشند. در اینجا «صلاحیت جهانی» معنا می‌یابد، چنانکه از معاهدات چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ راجع به جرایم سنگین یا از کنوانسیون ملل متحد علیه تبعیض نژادی مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ یا کنوانسیون نیویورک علیه شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴، استنباط می‌شود.

۱۵. قبول خاصیت عدم تسری مرور زمان بر بعضی جرایم بین‌المللی بالاخص نسل‌کشی، و جنایت علیه بشریت و حتی جنایت جنگی نیز از جمله اصول حاکم بر دادگاههای داخلی است. این تکلیف هم ریشه عرفی و هم قراردادی دارد.

۱۶. به منظور تضمین اثر مجازات، منابع قراردادی نقش مهمی برای همکاری بین‌المللی قائل هستند؛ مثلاً در زمینه معاضدت قضایی و نیابت، کمیسیون‌های بازجویی و بازپرسی فعال مانند تأسیس بخش خدمات یا ارگان‌های اداری ویژه جهت جمع‌آوری و تبادل اطلاعات مفید در زمینه مبارزه با جرم، نظیر دواير مرکزی داخلی به موجب کنوانسیون مربوط به جعل پول مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۲۹. این نوع تأسیسات پیرو معاهدات مربوط به مبارزه با جرایم دارای شبکه بین‌المللی، مانند تجارت غیرقانونی حیوانات تحت حفاظت، مواد مخدر، اموال فرهنگی و یا فحشا تأسیس شده‌اند.

۱۷. جرم دانستن، تعقیب و امثال آن یعنی در حقیقت تکلیف به اتخاذ تدابیر داخلی لازم برای مبارزه با جرم، مسئله استرداد را هم به میان می‌کشد. حال به بحث پیشگیری می‌پردازیم.

بند ۲- تدابیر پیشگیرانه، بازتاب خصوصیات هر جرم است

۱۸. در زمینه مجازات، دایره انتخاب وسایل مؤثر مبارزه محدود، اما در مورد پیشگیری، الگوهای متناسب و خاص متعدد برای هر جرم موجود است. بررسی مجموع منابع موجود نشان می‌دهد که در مقررات داخلی تنوع بسیاری وجود دارد. پیشگیری، از جمله در زمینه قوادی مستلزم مراقبت دولتی بر بندرها، فرودگاهها (...) و حتی «کاریابی و سرمایه‌گذاری» است

(کنوانسیون راجع به مبارزه با خرید و فروش انسان و بهره‌برداری از فحشا مورخ ۲ دسامبر ۱۹۴۹)؛ و در مورد خرید و فروش مواد مخدر همان‌طور که در معاهده ذکر شده دولت‌ها از کشت بعضی گیاهان در خاک خود باید جلوگیری کنند (معاهده ملل متحد علیه حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر و روان گردان). معاهده راجع به از میان بردن تمام اشکال تبعیض نژادی مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ در این زمینه شیوه حالبی در نظر گرفته و بیان داشته است: «پیشگیری از تبعیض آن است که هر دولتی به موجب قانون، انتشار هر فکر بنا نهاده شده بر برتری یا کینه نژادی یا هر آنچه بر تبعیض نژادی تحریک نماید و یا هر عمل خشونت‌آمیز را در این باره به کار برد یا به چنین اعمالی تحریص نماید (...). جرم قابل مجازات اعلام کند و نیز سازمان‌ها یا فعالیت‌های تبلیغاتی که به تبعیض نژادی دامن می‌زنند و آن را تشویق می‌کنند و نیز مشارکت در چنین سازمان‌ها یا فعالیت‌هایی را به موجب قانون ممنوع بدارد» (بند الف و ب ماده ۴). همچنین پیش‌بینی و مجازات جرایم وابسته یا معدّ، در حقوق داخلی پیرامون تبعیض نژادی یکی دیگر از ابزار مناسب موجود در کنوانسیون ذکر شده که دولت‌ها احتمالاً خود بدون تعهد قراردادی به کار خواهند برد.

۱۹. باید به رغم تنوع، به نکات ثابت و مشترک نیز توجه نمود. بعضی تدابیر یا اقدامات در ردیف اقدامات داخلی مربوط به پیشگیری جرایم هم نوع قرار می‌گیرند، مانند اقدامات فنی در جهت وضع مقررات برای تجارت اموال مستعد داد و ستد غیرقانونی در مقررات مربوط به واردات و صادرات و حمل و نقل اموال فرهنگی در کنوانسیون ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰ که به موجب آن دول عضو موظف شده‌اند مرکزی اداری برای حفاظت از میراث

فرهنگی ایجاد نموده، فهرستی ملی از اموال حفاظت شده تهیه و از اماکن باستانی مراقبت نمایند؛ تهیه گواهی‌نامه صادراتی نیز در مورد انتقال اموال فرهنگی پیش‌بینی شده است (ماده ۶). به همین ترتیب، در کنوانسیون راجع به داد و ستد غیرقانونی حیوانات و گیاهان وحشی در معرض انقراض (مورخ ۳ مارس ۱۹۷۳) تهیه گواهی‌نامه صادرات و واردات و جواز صدور مجدد از سوی مقامات دول عضو مقرر گردیده است (مواد ۳ و ۴ و ۵). راجع به مواد مخدر نیز اسناد بسیاری بر کنترل داد و ستد مواد طبقه‌بندی شده (فهرست ۱ و ۲) و ساخت غیرقانونی مواد مخدر حکایت دارد.

۲۰. راجع به پیشگیری باید به اهمیت مسئله نظارت نیز توجه نموده، ارگان‌ها و مراکزی عمومی به ویژه برای جرایمی که فرد به عنوان عامل دولت اقدام می‌کند ایجاد کرد. اسناد بین‌المللی مربوط به شکنجه و جنایات جنگی در این زمینه بسیار گویا هستند؛ کنوانسیون نیویورک، دولت‌های عضو را مکلف می‌کند که نظارت اصولی بر قواعد عمومی، بازپرسی، روش‌ها و نحوه استنطاق (...) معمول دارند (ماده ۱۱) و نیز تعجیل در بازجویی چنانچه احتمال وقوع شکنجه مطرح باشد (ماده ۱۲). در کنوانسیون مذکور بر آموزش و تربیت پرسنل غیرنظامی، نظامی و پزشکی که در حفظ، بازجویی، مراقبت از افراد توقیفی، بازداشتی و تحت تعقیب نقش دارند، هریک به فراخور شغل خود، تأکید شده است (ماده ۱۰). معاهدات ۱۹۴۹ ژنو نخستین بار راه را برای این نوع کارها باز کردند. در معاهدات مذکور ماده نمونه مخصوصی همه جا وجود داشت که بر «انتشار گسترده متن معاهده (...) چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ تأکید و آموزش و مطالعه مفاد معاهدات را در برنامه‌های تعلیمات نظامی و در صورت امکان،

غیرنظامی پیش‌بینی می‌کرد، به طوری که اصول هر معاهده معرف ذهن مردم به ویژه نظامیان رزمنده، پرسنل بهداری و پرسنل مذهبی بوده باشد».

۲۱. نکته دیگر اینکه پیشگیری از جرم بدون تعلیم و تربیت و ایجاد آمادگی فکری برای مردم به جایی نخواهد رسید. کنوانسیون مربوط به براندازی تمام اشکال تبعیض نژادی انصافاً به چنین اقدامی نیاز دارد. دول عضو خود متعهد شده‌اند که «فی‌الغور تدابیری جدی به ویژه در زمینه آموزش، پرورش، سطح فرهنگ و اطلاع‌رسانی به منظور مبارزه علیه ذهنیت‌های نژادپرستانه اتخاذ نمایند (...)» (ماده ۷).

۲۲. بنا بر آنچه گفته شد تکلیف بر اتخاذ تدابیر داخلی ضروری، برای پیشگیری و سرکوب جرایم برحسب نوع جرم، جنبه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. گرچه معاهدات جدید، در زمینه پیشگیری رهنمودهای دقیق ارائه داده‌اند اما به طور کلی هر دسته از جرایم خود الزاماً تصویری کلی به ذهن متبادر می‌کند که مقررات مشابهی می‌طلبد. علاوه بر رهنمودها یا خط مشی‌های کم و بیش گریزناپذیر، در معاهداتی دیگر دستور به انجام اقدامات دوره‌ای اجباری داخلی و گزارش آنها توسط دولت به دبیر کل سازمان ملل متحد (در مورد قوادی) صادر شده است، یا به سازمان دیگر مانند یونسکو راجع به قاچاق اموال فرهنگی، یا گزارش نوبه‌ای به رکنی که به طور ویژه برای کنوانسیون مربوطه ایجاد شده است، مانند کمیته ضد شکنجه یا تبعیض نژادی. این خط سیر نظارتی، اجرای خوب و درست تعهدات دولت‌ها را ممکن ساخته، اهمیت اتخاذ تدابیر داخلی را روشن و نهایتاً وضعیت دلخواه مبارزه با جرایم جامعه بین‌المللی سپرده شده به دولت‌ها را مشخص می‌کند. مسلماً آنچه در معاهدات بین‌المللی تجویز شده و

منکر نقش اساسی آن نمی‌توان شد، برای مطالعه مسئله کافی نیست و بیش از پیش به چگونگی اعمال آنها توسط دولت‌ها باید چشم دوخت.

بخش دوم- ماهیت و عمل به تعهدات

۲۳. دولت‌ها در این زمینه تعهد قراردادی بلکه عرفی دارند و وضعیت ظاهراً همان وضعیت همیشگی است. در زمینه امور کیفری مسئله اتصال میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی، صرف نظر از مسئله ثنویت و وحدت که در هر کشوری بر رابطه این دو نظام حقوقی حاکم است، نکته‌ای مهم در بر دارد و آن حفظ اولویت نظم عمومی بین‌المللی در مقابل نظم عمومی داخلی است. مبارزه دولت‌ها را باید به عنوان بُردار داخلی منافع فوق ملی در نظر گرفت، به طوری که قوانین داخلی چون ابزاری حائل در خدمت جامعه بین‌المللی در آمده و حقوق داخلی از این نظر بین‌المللی شده در نظر آید.

۲۴. باید در این راه به اصول خاص حقوق کیفری نیز توجه خاص نمود، از جمله اصل بنیادی قانونی بودن جرم و مجازات که از قدیم در مثل لاتینی آمده است^{۱۱} (و از آنجا که در معاهدات فقط به عمومات مطالب اشاره می‌شود و به ذکر جرایم بدون تعیین مجازات مشخص اکتفا می‌شود، قانونگذار داخلی باید الزاماً مجازات را مقرر نماید. چنین تقسیم کاری ماهیت تعهد هر دولتی را بهتر مشخص نموده (بند ۱)، امکان ارزیابی آن را تحت ضوابط و اصول حقوق کیفری در عمل فراهم خواهد ساخت (بند ۲)).

10. Nullum crimen poena sine lege.

بند ۱- تعهد و آزادی دولت

۲۵. ماهیت تعهدات معمولاً از نتیجه حاصل قابل تشخیص است و با استقلال عمل آیینی هر کشوری نیز قابل جمع است.

۲۶. مطالعه اغلب معاهدات بین‌المللی مربوط به پیشگیری و کیفر جرایم، نشان می‌دهد که مطلوب تدوین‌کنندگان، تعهد به نتیجه و تصویب قوانینی در نظام داخلی در جهت تحقق هدف است. به عنوان مثال معاهدات چهارگانه ژنو مقرر داشته‌اند که «طرف‌های معظم متعهد متعهد می‌شوند که تمام قوانین لازم را برای تعیین مجازات کامل مباشرین و آمرین هریک از تخلفات سنگین نسبت به این کنوانسیون، معمول دارند» (ماده ۴۹ معاهده اول؛ ماده ۵۰ معاهده دوم؛ ماده ۱۲۹ معاهده سوم؛ ماده ۱۴۶ معاهده چهارم).

۲۷. همچنین، در دیباچه موافقتنامه رم راجع به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۸ آمده است «سنگین‌ترین جرایم که به تمامی جامعه بین‌المللی زیان می‌رسانند نباید بی مجازات باقی بمانند و مجازات آنها باید به طور مؤثر از طریق اقدامات داخلی و تقویت همکاری بین‌المللی تضمین شود». در این راه یادآور می‌شود که «وظیفه هر دولتی سپردن مرتکبین جرایم بین‌المللی به دادگاههای جنایی داخلی است». ملاحظه می‌شود که شرط نتیجه مورد توجه قرار گرفته، هر دولتی در انتخاب وسایل لازم برای مبارزه با جرم آزاد است.

۲۸. ممکن است ماهیت تعهد به نتیجه که بر دولت‌ها بار شده تا حدی از مقصد خود دور شود، علی‌الخصوص که بعضی معاهدات در نگارش و عبارت‌پردازی سست بوده، دقت لازم را که ویژه امور جزایی است ندارند؛ به عنوان مثال، کنوانسیون توکیو مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۳ راجع به جرایم و

بعضی اعمال در داخل هواپیما، از دولت‌های متعاقد جز اقدامات لازم برای جبران خطرات ناشی از ارتکاب جرم در اثنای پرواز چیزی نمی‌خواهد (بند الف ۱ از ماده ۱). در اینجا نتیجه حاصل دستاوردی میان پیشگیری و کیفر به معنای اخص کلمه بوده، آزادی عمل دولت بسیار قابل توجه است. کنوانسیون وین ۱۹۸۸ راجع به قاچاق مواد مخدر نیز مقرر داشته که «هر دولت عضو تدابیر لازم را در جهت اعطای جنبه کیفری به تخلفات اتخاذ خواهد کرد (...).»

۲۹. همچنین قابل ذکر است که کنوانسیون ژنو راجع به مجازات رواج و داد و ستد نشریات منافی عفت مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۳ به همان صورت که در بالا گفته شد از توضیح معنای دقیق عبارت منافی عفت طفره رفته است؛ به این معنی که این مفهوم قابل تغییر و تحول و متنوع در فرهنگ ملل مختلف است و بیان مفهوم دقیق آن در اختیار محاکم داخلی هر کشور خواهد بود.

۳۰. برخی معاهدات نیز علاوه بر هدف عمومی مبارزه و پیشگیری، ابتکارات دیگری نیز به خرج داده‌اند که از قرار معلوم در صلاحیت دول عضو می‌باشد، مانند ضبط پول تقلبی و ابزار ساخت آن، موضوع ماده ۱۱ معاهده مربوطه، و یا ضبط نوشته‌ها و سایر وسایل منافی عفت در معاهده ۱۹۲۳ مذکور (ماده ۵).

۳۱. تعهد به نتیجه که از آن یاد شد مانع از آن نیست که در هر کنوانسیونی درجاتی از تعهدی که باید به آن عمل شود در نظر گرفته شود. چنین دقت نظری بدون شک از خفیف به شدید سیر خواهد کرد، به خصوص هنگامی که سخن از سازماندهی مبارزه و کیفر از جهات رفتاری

در زمینه امور فنی یا برخورد با جرایمی باشد که جنبه فرامرزی دارند، مانند قاچاق مواد مخدر، فساد مالی، پولشویی و غیره. به هر حال، عمل به تعهد توسط دولت‌ها منوط به تطبیق مقررات کیفری داخلی با معاهده و در نظر گرفتن استقلال عمل در آیین و روش هریک از آنهاست.

۳۲. تعهد به نتیجه چیزی جز اعمال یک قاعده بنیادی دارای جوهر مشترک با حقوق بین‌الملل عمومی نیست. نباید تصور کرد که دولت تمامیت صلاحیت خود را حفظ نخواهد کرد. دولت در حقیقت از طرف جامعه بین‌المللی مأمور به پیشگیری یا مبارزه و مجازات فلان عمل شده است و در این راه آنچه را نظام حقوقی داخلی او تجویز کرده، با توجه به سلسله مراتب حقوقی و روش‌های مناسب موجود برمی‌گزیند تا به نتیجه مطلوب برسد، نظیر ماده ۳۶ کنوانسیون معروف به «واحد»^{۱۱} (مورخ ۳۰ مارس ۱۹۶۱) که مقرر می‌دارد: «با رعایت قانون اساسی، دولت‌های طرف قرارداد تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد تا (...)».

۳۳. اخیراً در فرانسه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر که به تصویب معاهده رم راجع به تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی تمایل داشتند، در اجرای ماده ۵۴ قانون اساسی، از شورای قانون اساسی لزوم تجدیدنظر در قانون اساسی پیش از تصویب اساسنامه را سؤال نمودند. شورای قانون اساسی به موجب تصمیم ۲۲ ژانویه ۱۹۹۹ (DC-n°98-408) اعلام کرد که سه دسته از مقررات معاهده رم از جمله مقررات مربوط به مسئولیت کیفری برخی افراد که دارای سمت رسمی رئیس کشور، عضو هیأت دولت یا نماینده مجلس می‌باشند، خلاف قانون اساسی فرانسه است، چرا که به

موجب قانون اساسی آیین ویژه‌ای در مورد بروز مسئولیت آنان مقرر گردیده که ممکن است مانع تعقیب احتمالی توسط دیوان گردد، فلذا تجدیدنظر در قانون اساسی پیش از تصویب معاهده رم ضروری است و اگر قرار بر این شود که تعهدات ناشی از معاهده در مورد کیفر جرایم مندرج رعایت گردد، باید در قانون اساسی تغییراتی داده شود. پس از بررسی ماهیت تعهدات دولت‌ها باید چگونگی اجرای تعهد نیز روشن شود.

بند ۲- مقید بودن اجرای تعهد

۳۴. اگر مسئله کیفری باشد و تعهد به نتیجه نیز طی معاهده‌ای بین-المللی پیش‌بینی شده باشد، تحقق آن منطقاً مستلزم رعایت اصول تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های اولیه خواهد بود. از میان این اصول، مهمترین اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. رعایت اصول، هم شامل توصیف جرم و هم چگونگی ضمانت اجرا و قواعد صوری و آیین رسیدگی است. در همین مرحله درگیری و تشتت میان گرایش‌های فوق ملی مربوط به نظم عمومی از یک سو و از جانب دیگر گرایش حاکمیت ملی بر انجام وظیفه بی چون و چرای کیفر جرم آشکار می‌شود. گرچه بنای مبارزه با جرم و کیفر کماکان اصلی بین‌المللی است، ولی شرط تأثیر آن وابسته به قواعد داخلی هر کشور است.

۳۵. مسئله این است که در حقوق داخلی به توصیفی کیفری که به اندازه کافی دقیق و روشن و بی قید و شرط باشد، نیاز است تا تعقیب جرم بدون تضییع حقوق افراد محقق گردد. قانونگذار داخلی بدین منظور حقوق

داخلی را با تعهد بین‌المللی وفق داده، آن را از دو طریق انجام می‌دهد: یکی «تطبیق از طریق ادغام»^{۱۲} و دیگری «تطبیق از طریق ارجاع».

۳۶. طبق روش نخست، مقام ذیصلاح داخلی تعریف جرم بین‌المللی را در متن قانون داخلی منعکس می‌کند. در این حالت منشأ بین‌المللی جرم ظاهراً محو می‌شود، چون گرچه منبع اصلی بین‌المللی است ولی با انعکاس و درج آن در سند داخلی و مستند قرار گرفتن آن، تعریف بین‌المللی زیر پرده خواهد رفت. نظیر آن را در قانون اول ژوویه ۱۹۷۲ فرانسه در جرم انگاری برخی تبعیضات نژادی که منشأ آن کنوانسیون ۱۹۴۵ راجع به براندازی تبعیض نژادی است می‌توان یافت و یا اقتباس ماده ۱-۴۴۲ مجموعه قوانین کیفری سابق در زمینه مشابهت علایم پول فرانسه و پول خارجی که براساس کنوانسیون ژنو مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۲۹ درباره مسکوکات تقلبی انجام گرفته است. در این نمونه‌ها جنبه بین‌المللی جرم تغییری نکرده، اما پیشگیری یا مجازات از زاویه حقوق داخلی امکان‌پذیر شده است.

۳۷. طبق روش دوم مقام ذیصلاح داخلی برای استناد به مجرمیت و مجازات مستقیماً به مقررات بین‌المللی مربوطه ارجاع می‌دهد، مانند قانون اصلاحی ۵ ژوویه ۱۹۸۳ فرانسه راجع به کیفر آلوده کردن دریا توسط کشتی‌هایی که نفت در دریا می‌ریزند؛ قانون مزبور تصریحاً به ماده ۳ کنوانسیون ۱۲ مه ۱۹۵۴ لندن ارجاع می‌دهد. باز باید یادآوری کرد که اصول حاکم بر امور جزایی ویژگی خود را دارند و مقررات قراردادی بین‌المللی باید دارای تحکم لازم بوده باشند.

12. Adaptation par incorporation.

بر دو روش فوق، روش بعضی کشورهای دیگر را می‌توان افزود که عبارت است از وضع قوانین خاص که به جرم بین‌المللی جنبه استثنایی و غرابت داده، آن را از سایر قوانین جزایی متمایز می‌کند؛ مانند انگلستان که مجازات تخلفات سنگین از کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو را با قانونی خاص^{۱۳} به نام "Geneva Conventions Act, 1957" مقرر کرده است. دلیل استفاده از این شیوه را ماهیت نظام حقوقی انگلستان می‌دانند. این شیوه که توجه برخی صاحب‌نظران را جلب نموده،^{۱۴} به تفرد و اصالت حقوق بین‌المللی کیفری بهتر پاسخ داده، همسازی و تطابق با تحولات را نیز آسان‌تر فراهم می‌کند.

۳۸. لازم به ذکر است، چنانچه قوانین داخلی همسازی نشده باشند، برخی قضات استفاده از عناصر تشکیل دهنده جرم را آنچنان که در معاهده بین‌المللی آمده مبنای استدلال خود قرار می‌دهند. چنانکه در فرانسه، دیوان عالی کشور رأی صادره (ماهیت) براساس مواد L.۶۲۷ و L.۶۲۸ قانون بهداشت عمومی را قانونی تشخیص داده و اعلام کرد که تعریف کشت کانابیس که در متون حقوقی داخلی نیامده باید با رجوع به مفاد کنوانسیون ۳۰ مارس ۱۹۶۱ معروف به «واحد» راجع به قاچاق مواد مخدر انجام شود (دیوان عالی کشور، ۹ مارس ۱۹۹۲، مجموعه کیفری، شماره ۱۰۳، و نیز رأی مورخ ۵ فوریه ۱۹۹۰ آن دیوان). چنین تصمیمی تا حدی مجبور افتاده و مورد انتقاد نیز قرار گرفته است، به طوری که مراجع صلاحیتدار داخلی مأمور تطبیق متون، مخیر شدند یا همان تعریف مندرج در معاهده را در متن قانون وارد کنند و یا رجوع به آن را آزاد گذارند.

13. *Lex specialis*.

14. S. Glaser.

۳۹. ضرورت تضمین توصیف دقیق تمام عناصر تشکیل دهنده جرم و عدم هرگونه دخل و تصرف شخصی (ضروری در حقوق جزا) باعث بوجود آمدن روش دیگری به نام «جرم انگاری مضاعف»^{۱۵} شده است. نمونه منطقی و عقلایی این روش در قانون فرانسوی راجع به تطبیق قانون این کشور با مفاد مقررات قطعنامه ۸۲۷ مورخ ۲۵ مه ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد دیده می‌شود. قطعنامه فوق تشکیل دادگاهی بین‌المللی برای محاکمه افراد مظنون به نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در سرزمین یوگسلاوی (سابق) از ۱۹۹۱ به بعد مقرر نموده بود. مشارکت فرانسه در چنین محاکماتی به موجب حدود تعیین شده در قانون شماره ۱-۹۵ مورخ ۲ ژانویه ۱۹۹۵ (ماده ۱) مشخص و جرایم و تخلفات مربوطه به طور مضاعف از یک سو جرایمی مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی آنچنان که در اساسنامه آن پیش‌بینی شده و از سوی دیگر جرایمی اعم از جنحه و جنایت که قانون فرانسه آنها را تعیین کرده می‌باید بوده باشند. به اصل قانونی بودن، در اینجا تمام و کمال ترتیب اثر داده شده است.

در موردی دیگر، به هنگام بررسی قانون تطبیق قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت مبنی بر تشکیل دادگاه اختصاصی (*ad hoc*) برای جرایم ارتكابی در روآندا، گزارشگر کمیسیون قوانین سنا، آقای روبرت بدنتر، خاطرنشان ساخت که «جرم‌انگاری مضاعف» به نظر او نه ضروری و نه مفید فایده است، زیرا محاکم داخلی خود در رسیدگی به «نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه» صلاحیت دارند. ایشان در این باره بر جنبه خاص حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأکید و اصرار ورزیده، همین ویژگی را دلیل قابل اجرا

15. Double incrimination.

بودن آن، صرف نظر از جرم دانستن اعمال ارتكابی در قوانین داخلی، اعلام کرده است. به اعتقاد ما اساسنامه دیوان مزبور جرایم بین‌المللی را با دقت کافی تعریف می‌کرد، اما برای تعیین مجازات کافی نبود. کاری که می‌شد انجام داد این بود که دادگاههای فرانسه مجازات‌ها را در چارچوب صلاحیت آن دیوان یا در حقیقت مجازات‌های قابل اعمال بر روآندا - البته به استثنای مجازات اعدام - اعمال نمایند. اگر چنین می‌کردند و به این ترتیب، جنبه بین‌المللی جرم در قالب حقوق کیفری داخلی اعتبار می‌یافت، گام جسورانه‌ای برداشته شده بود.

مسلماً این نکته را باید در نظر داشت که صادر کننده قرار بازداشت به صورت اتفاقی تعیین شده و اعمال جدول مجازات‌های کشور محل رسیدگی گرچه قانونی است، ولی از اعمال تضمینات موجود در حقوق بین‌الملل مستند به ارزش‌های جهانی موجه‌تر نیست. مع‌ذلک به رغم تمایل آقای بدنتر و کمیسیون قوانین سنا، آنچه نگارش یافت و جنبه مصالحه داشت با آنچه در مورد یوگسلاوی (سابق) تنظیم شده بود متفاوت بود و اجرای قانون جزای فرانسه را تضمین می‌کرد. در هر حال روش جرم‌انگاری مضاعف به جنبه و جنایت‌های مشخص شده هویت مضاعفی می‌بخشد، یکی هویت بین‌المللی و دیگری هویت ملی (داخلی). منشأ بین‌المللی و به اجرا در آمدن آن طی حرکتی نرماتیو و متجانس (همسو) پدیدار می‌شود و دلیل بر این مدعا یا مشروعیت پروسه اینکه دیوان عالی فرانسه متن اخیر را مستند قرار داده و اعلام کرد که «طبق مواد ۱ و ۲ قانون ۲۲ مه ۱۹۹۶ (قانون مذکور)، مباشرین یا معاونین جرایمی که براساس مواد ۲ و ۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی اختصاصی روآندا جرم سنگین نسبت به

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ محسوب می‌شود، چنانچه به نقض قوانین و عرف‌های جنگ، ژنوسید یا جنایت علیه بشریت متهم گردند، اگر در فرانسه یافت شوند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و در داگاههای فرانسوی طبق قوانین این کشور محاکمه خواهند شد» (دیوان عالی کشور، ۶ ژانویه ۱۹۹۸، JCP، II، ۱۰۱۵۸، ص ۱۷۵۸).

۴۰. در زمینه تعهد به پیشگیری، تدابیر داخلی را کمتر می‌توان در چارچوب مشخصی جای داد. دسته‌بندی کامل انواع خاص پیشگیری غیرممکن و راههای مختلفی در این باره به ذهن خطور می‌کند که از تعلیم و تربیت مردم گرفته تا تشکیل هیأت‌های حرفه‌ای از جمله نظامی قابل گسترش و تنوع است. از انواع راه حل‌ها می‌توان به قسمتی از قرار صادره در سال ۱۹۹۳ از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده ژنوسید، و اقدامات تأمینی مذکور در آن خطاب به دولت یوگسلاوی یاد کرد: «دولت (یوگسلاوی) باید مراقبت نماید که هیچ واحد نظامی، شبه نظامی یا واحدهای مسلح نامنظم که تحت امر او یا از پشتیبانی او بهره‌مند می‌باشند و ایضاً هیچ سازمان یا شخص دیگری که احتمالاً تحت اختیار، اقتدار یا نفوذ او می‌باشد مرتکب جرم نسل‌کشی نگردیده یا تبانی جهت ارتکاب آن جنایت به عمل نیاورده و یا معاونت در آن ننماید (...))» (قرار ۸ آوریل ۱۹۹۳، دیوان بین‌المللی دادگستری، مجموعه، ۱۹۹۳، ص ۲۴ بند ۵۳، الف ۲). ملاحظه می‌شود که ابزار پیشگیری گوناگون است و دولت‌ها شعاع عمل گسترده‌ای دارند. غالباً تعهد به پیشگیری در عمل، همراه با تعریف و پیش‌بینی تخلفات مجرمانه مشخصی در قانون است.

۴۱. نمونه اخیر را در قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ بلژیک می‌توان یافت که موضوع آن توأماً هم پیشگیری و هم کیفر جرایم جنگی است. قانون مذکور بعضی رفتارها که حتی در زمان صلح باعث تشویق ارتکاب جرم می‌شود را جرم در نظر گرفته است. به موجب این قانون مقام مافوق در صورت انفعال^{۱۶} و چنانچه رفتار او موجب تشویق ارتکاب جرم از سوی زیردست شود مستول و قابل تعقیب است. مواد ۳ و ۴ همان قانون «جرایم مانع»^{۱۷} یعنی رفتارهای موجب تشویق و تسهیل ارتکاب جنایات جنگی را معرفی کرده است؛ از جمله تمهید و شروع به جرم با مجازاتی معادل جرم اصلی ولو اثری بر آن مترتب نشده باشد، مانند سازندگان ابزار و آلات ارتکاب جرم جنگی یا نگهداری و حمل آن ادوات. نیت قانونگذار بلژیکی تعبیه ابزار کهن پیشگیری و بازداشتن کسانی است که به ارتکاب جرایم بین‌المللی تمایل دارند یا به آن وسوسه می‌شوند. اما صرف پیش‌بینی تخلفات برای دستیابی به نتیجه مطلوب (شرط نتیجه) چنانچه ضامن اجرا توأماً پیش‌بینی و آیین کار در نظر گرفته نشده باشد کافی نیست.

۴۲. یقیناً تعیین مجازات به هر دولتی سهولت عمل قابل توجهی می‌بخشد. معاهدات فقط به اصول راهنما اشاره کرده، به هر یک از دول عضو امکان می‌دهند که براساس جدول مجازات‌های خود ارائه طریق و تصمیم‌گیری نمایند. اگر معاهده ۱۹۴۸ راجع به ژنوسید «مجازات‌های بسیار سخت» و معاهده ۱۹۸۸ قاچاق مواد مخدر «مجازات‌های لازمه» و معاهده ۱۹۸۴ منع شکنجه «مجازات کامل» پیش‌بینی کرده‌اند، باید پذیرفت که

16. Inaction

17. Dits obstacles

مراجع داخلی در امر انطباق، اختیارات قابل توجهی دارند. در هر حال مشکل تعیین میزان یا محدوده مجازات در سند بین‌المللی را باید در لحن محتاطانه کنوانسیون ۱۹۸۸ راجع به قاچاق مواد مخدر یافت که گفته: «طرفها ترتیبی خواهند داد که محاکم آنان تا آنجا که حقوق داخلی آنان اجازه می‌دهد، بتوانند به محکومیت‌های سابق توجه نمایند».

۴۳. به عبارت اخری دولت در محدوده تعهد خود دو نکته را باید رعایت کند. از یک سو با توجه به خط مشی تعیین شده در کنوانسیون، دولت باید تضمینات یا مجازات‌های متناسب با تعهد به نتیجه را مشخص و تعیین کند. چنانچه انتخاب مجازات با معیار بین‌المللی مربوطه تناسب نداشت، مبارزه با جرم ضعیف شده و به نتیجه نخواهد رسید. از سوی دیگر، دولت باید همچنان که اصول حقوق کیفری اقتضا می‌کند و در قوانین اساسی کشورها پیش‌بینی شده است به ضرورت و تبعات کیفر توجه نماید. ضرورت کیفر در حقوق بین‌الملل نیز امری بدیهی است. در این باره کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به اصل تناسب کیفر اشاره و آن را یکی از لوازم اصلی عضویت در معاهده برشمرده است. در پرونده‌ای نسبتاً قدیمی، کمیسیون اروپایی استراسبورگ چنین اظهار نظر کرد که کتک زدن افراد متهم به خیانت در زمان جنگ به طوری که ناتوانی کامل و دائم و ناممکن شدن انتشار عقاید سیاسی را موجب شود فراتر از تدابیر لازم پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون بوده است (De Becher علیه بلژیک، گزارش کمیسیون E.D.H، ۸ ژانویه ۱۹۶۰، سری ب، ۱۹۶۲، ص ۱۲۸). نظیر چنین استدلالی را دیوان اروپایی حقوق بشر آورده و به جنبه آمره اصول تناسب و قانونی بودن جرم و مجازات به هنگام تنبیه و کیفر تأکید

نموده است (Koffīnafīs علیه یونان، ۲۵ مه ۱۹۹۳، سری الف، شماره ۲۶۰ الف). بنابر آنچه گفته شد دو معیار فوق‌الذکر را هر دولتی هنگام مبارزه با جرم تعیین شده در کنوانسیون باید رعایت کند. ذکر این نکته نیز ضروری است که رجوع به روش جرم‌انگاری مضاعف امکان حل مسئله جرم‌انگاری و مجازات را توأماً فراهم می‌سازد و نهایتاً مجازات‌های متناسب، با تعریف داخلی جرم توسط دادگاه‌های کیفری اعمال خواهد شد.